

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال امنیت خلیج فارس

محمد علی بصیری^۱ - لیلاج‌اویدی^۲

چکیده

منطقه خلیج فارس همواره به عنوان یکی از مناطق مهم امنیتی، راهبردی و اقتصادی در نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، به گونه‌ای که در طول قرن‌های اخیر، پیوسته مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده و از تجاوز آنها در امان نمانده است. امروزه با اکتشاف نفت، و با توجه به نقش اساسی آن در اقتصاد جهانی، امنیت و ثبات این منطقه دغدغه اصلی کشورهای منطقه و جهان است. به نظر می‌رسد با توجه به بافت دولت‌های منطقه‌ی خلیج فارس و وضعیت سرزمینی و جغرافیای سیاسی آن امنیت منطقه‌ای مبتنی بر همکاری بین‌دولت‌های منطقه، مناسب‌ترین شیوه برای تامین امنیت خلیج فارس است. البته این مهم نیز حاصل نمی‌شود، مگر با به کارگیری شیوه‌های گوناگون اعتماد سازی متقابل بین دولت‌های منطقه برای رفع سوء تفاهمات که وظیفه سران کشورهای منطقه است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت منطقه‌ای، خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران، اعتمادسازی.

1 استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان basiri360@yahoo.com

2 کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا mohammadi570@yahoo.com

مقدمه

تاکنون عمده‌ترین نگرانی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه خلیج فارس، مسئله «امنیت» بوده است. پس از جنگ جهانی دوم، انگلستان به عنوان قدرت مسلط منطقه، نظم‌سستی را، که از پیش ایجاد کرده بود، همچنان حفظ نمود. در سال 1971، با خروج انگلیسی‌ها، آمریکا با اجرای سیاست معروف «دو ستونی» در قالب آموزه نیکسون، نظام امنیتی منطقه را شکل داد. اما در سال‌های پایانی دهه‌ی هفتاد، جریان‌اتی که در منطقه رخ دادند، این نظام را از بین بردند؛ تا اینکه در اوایل دهه 1980، یک نظام امنیتی جدید به نام «شورای همکاری خلیج فارس»، (نعیمی ارفع، 1370: 45) در حاشیه‌ی جنوبی به وجود آمد که با حمله‌ی عراق به کویت، ناتوانی آن نیز به اثبات رسید. با توجه به سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر نفی حضور نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس، ایران چگونه می‌تواند به این اهداف خود در منطقه دست یابد. با در نظر گرفتن منطقه با اهمیت خلیج فارس با نیروهای بالقوه بی‌شمار اقتصادی، امنیتی و راهبردی، نمی‌توان نسبت به امنیت آن بی‌توجه ماند. از این رو، ضروری است کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر و با اجماع نظر هماهنگ در مفهوم و ماهیت توسعه و ثبات و تفاهم متقابل، از فرو افتادن منطقه در سرازیری بی‌ثباتی، تنش، بحران و جنگ، خودداری نمایند. به دلیل آنکه کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای دیدگاه‌های مختلفی درباره مسئله «امنیت» در این منطقه هستند (امامی، 1381: 49)، با در نظر گرفتن شرایط جدید جهانی و پیروزی اجمالی ایالات متحده آمریکا و متحدانش در جنگ دوم خلیج فارس در سال 1991، و در پی حادثه 11 سپتامبر آمریکا و حمله‌ی نظامی این کشور و متحدانش به افغانستان و عراق، که موجب تقویت حضور نیروهای خارجی در منطقه شد (ابراهیمی فر، 1381: 22)، فرضیه‌ی این مقاله آن است که جمهوری اسلامی ایران برای تامین امنیت منطقه خلیج فارس در جهت اهداف اصولی خود، باید از نظام امنیتی مبتنی بر همکاری بهره‌جوید و از طریق کاهش نقش قدرت‌های خارجی در منطقه و با بیشترین استفاده از سیاست تنش‌زدایی و سعی در اعتمادسازی متقابل، به این خواسته‌ی خود نایل آید.

مفاهیم

الف. «امنیت»

تعریف فرهنگ های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت» همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی، داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند (ریعی، 1383: 44). از سوی دیگر، امنیت پدیده ای متأثر از مؤلفه های مادی - ذهنی به شمار می آید که دیگر چگونان دوران جنگ سرد، نمی توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود (اردی مکین لای، 1381: 59).

ب. الگوهای امنیت منطقه ای

اگر مفهوم «امنیت منطقه ای» را از نظر ترکیب واژگانی در نظر بگیریم، دارای دو واژه «امنیت» و «منطقه ای» است (پاتریک ام، 1380: 40). هر دو واژه پیچیده است و تعریف قابل قبول مشترکی برای آنها وجود ندارد، و شاید بهترین راه برای نزدیک شدن به این موضوعات قیاس و مقایسه باشد. پس با توجه به مشکلات نظری فراوانی که درباره این دو واژه وجود دارد، با توجه به بررسی نظریه های موجود، فقط تعریفی منطقی می توان ارائه کرد که عبارت است از اینکه «امنیت منطقه ای» مجموعه ی تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه ای در زمانی خاص آن را به کار می برند. بنابراین، امنیت یا ناامنی منطقه ای می توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه های جمعی به دست آید (افتخاری، 1381: 266).

ج. موقعیت راهبردی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی مهم دنیا محسوب می‌شود. البته این امر مسئله جدیدی نیست، بلکه از قرن‌ها قبل امری شناخته شده و مورد قبول عام بوده است. در قرون اخیر، خلیج فارس شاهد حضور و تسلط دولت استعماری انگلیس در آنجا و نیز تداوم سیاست‌های دیرینه و استعماری روس‌های تزاری برای دست‌یابی به آب‌های گرم خلیج فارس بوده که همگی حاکی از اهمیت ویژه و راهبردی آن است (هالیس، 1372: 80).

یکی از دلایل اهمیت راهبردی خلیج فارس وجود تنگه هرمز است. «تنگه‌ی هرمز» گذرگاهی است هلالی شکل که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند. این تنگه یکی از مهم‌ترین تنگه‌ها در بین یازده تنگه مهم دنیاست که برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ اهمیت اقتصادی و راهبردی زیادی دارد (اسدیان، 1381: 27). اهمیت عرض کم تنگه هرمز از این جهت است که در طول سه کیلومتر مسافتی که عرض تنگه بین 21 تا 24 مایل دریایی متغیر است، بخشی از عرض آب‌های ساحلی در کشور ایران و عمان بر روی هم منطبق می‌شود و بنابراین، در فاصله بین آنها دریای آزاد وجود ندارد. همین امر حساسیت ویژه‌ای را در امر کشتیرانی بین‌المللی در تنگه‌ی هرمز ایجاد کرده و مسئولیت سنگین امنیتی را بر دوش این دو کشور نهاده است. به همین دلیل دو کشور ایران و عمان از اهمیت راهبردی و جغرافیایی سیاسی ویژه‌ای برخوردارند.

شورای همکاری خلیج فارس و مسئله‌ی امنیت

شش کشور عربی حوزه خلیج فارس (امارات متحده عربی، بحرین، عربستان، عمان، قطر و کویت) در ماه می 1981 میلادی ایجاد شورایی را در بین خودشان با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» بدون حضور ایران و عراق اعلام کردند (نعیمی ارفع، 1370: 54). این شش کشور به جز عربستان طی دهه‌های 50 و 60 و اوایل دهه هفتاد قرن بیستم میلادی به استقلال رسیدند. از این رو، عدم استقلال پیش از این و وابستگی امنیتی و اقتصادی این کشورها به خارج از منطقه یکی از عوامل مشترک این کشورها به شمار می‌آید و طبیعی است که هر یک به نوبه

خود، در جهت تشکیل یک اتحادیه برای حفظ منافع مشترک اقداماتی صورت داده باشد (لی نوری، 1383: 117).

طی سال 1359 در پی حمله‌ی همه‌جانبه عراق به ایران کشورهای عربی منطقه‌ی خلیج فارس سرگرم مطالعه پیش‌نویس پیمان «امنیت دسته‌جمعی» شدند؛ تا اینکه در اسفند ماه همان سال، یک اتحادیه فنی مامور پی‌ریزی اساس نامه‌ی شورای همکاری شد.

شورای همکاری و جمهوری اسلامی ایران: روابط جمهوری اسلامی ایران با شورای همکاری خلیج فارس به دو مقطع تقسیم می‌شود: مقطع جنگ تحمیلی و دوران پس از جنگ تحمیلی؛ مقطع جنگ تحمیلی: «شورای همکاری خلیج فارس» قریب هشت ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی (22 سپتامبر 1985) توسط عراق و زمینگیر شدن نیروهای آن کشور در خاک ایران تاسیس شد. کشورهای عرب جنوب خلیج فارس از همان آغاز جنگ در جهت راه کار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهار انقلاب اسلامی و جلوگیری از بالندگی آن در منطقه قرار داشتند و کمک‌های ارزشمندی را در اختیار عراق قرار دادند. با این مقدمه، می‌توان به تشریح موضع عمومی شورا در قبال جنگ تحمیلی و شناخت استراتژی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران و در خصوص جنگ پرداخت. شورا با وجود گرایش‌های فاحش به سمت عراق، در طول جنگ همواره از اینکه ایران یا عراق به عنوان یک قدرت مطلق در خلیج فارس از جنگ بیرون بیاید و موازنه قوا بین ایران و عراق بر هم بخورد و در نتیجه، منطقه تحت تأثیر سلطه‌ی یک قدرت واحد درآید، بیم داشت. از این رو، این احتمال، که شورا خواستار پیروزی کامل عراق بود، ضعیف می‌نماید. به طور خلاصه، می‌توان راه کار شورای همکاری در قبال جنگ را این گونه بیان کرد: شورا با وجود جانبداری از عراق، تلاش داشت با نگه داشتن مخاصمات در سطحی قابل قبول از کشاندن آتش جنگ به شش کشور دیگر جلوگیری کند. در همان حال، خشنودی پنهانی در برخی از کشورهای شورا وجود داشت مبنی بر اینکه جنگ مادام که به کشورهای همسایه تعمیم نیافته است، ادامه یابد. جنگ تحمیلی بهترین فرصت را در اختیار عربستان قرار داد تا با تضعیف دو رقیب خود در منطقه، با تاسیس شورای همکاری بدون ایران و عراق بیشترین استفاده را از جنگ ببرد (اچ کورد سمن، 1381: 24). پس از فراز نشیب‌های زیادی که روابط ایران و شورای همکاری را در طول جنگ تحت الشعاع خود قرار داد، در سال 1367، ایران قطع نامه 598 سازمان ملل را پذیرفت. از این به بعد، مواضع

ظاهری شورای همکاری در خصوص ایران و عراق به یک توازن نسبی رسید. مقطع پس از جنگ تحمیلی: در این دوران، روابط ایران و شورای همکاری تحت تاثیر ادعای ارضی امارات علیه جمهوری اسلامی قرار گرفت. در سال 1371 اولین اجلاس سران شورا پس از طرح ادعاهای واهی امارات بر سر جزایر ایرانی برگزار گردید که اوج ادعاهای مربوط به جزایر نیز در آنجا مطرح شد. جمهوری اسلامی ایران همواره با اعتقاد راسخ به اصول پایدار رعایت حسن همجواری و برقراری و توسعه روابط دوستانه با همسایگان خود، به منظور بی اثر ساختن توطئه های مخالفان ثبات و امنیت پایدار در منطقه حیاتی خلیج فارس، در سال های اخیر کوشیده است با پیروی از سیاست صبر و خویشتن داری و تنش زدایی و اعتمادسازی، حسن نیت خود را برای حل و فصل اختلافات نشان دهد و با تاکید بر پای بندی خویش به تفاهات میماین و حل اختلافات از طریق مذاکرات و گفت و گوهای مسالمت آمیز، کشورهای منطقه را به منافع حیاتی شان در سایه ثبات و امنیت در منطقه متوجه نماید.

اعتمادسازی و ضرورت آن

در علم سیاست و روابط بین الملل، شوق و علاقه ی شدید به جلوگیری از درگیری، منازعه و جنگ، ریشه در قرن 19 دارد. براساس تعریفی که فرهنگ های لغت ارائه می دهند، «اعتماد» یعنی اطمینان فکری یا اعتقاد شدید به قابل اطمینان بودن دیگری، و یا به صداقت و واقعیت یک حقیقت. یکی از معروف ترین تعاریفی که در خصوص اقدامات اعتمادسازی ارائه شده توسط جوهان هولست (Holst Johan) و کارن ملندر (Karen Melander) صورت گرفته است. براساس این تعریف، اعتمادسازی متضمن گواه معتبر از فقدان تهدیدات مخاطره انگیز است. تعاریف مشابهی در تبیین تدابیر اعتمادسازی توسط نویسندگان دیگری همچون کالوی (Kalevi Ruhala) نیز صورت گرفته است. به نظر وی، اقدامات اعتمادساز ممکن است به عنوان اقدامات سیاسی تعریف گردند که برای افزایش اطمینان در نظام های دفاعی نیروهای نظامی صورت می پذیرند (ابراهیمی فر، 1381: 95). ایجاد صلح و ثبات و اجتناب از جنگ قانع کننده ترین دلیلی است که محققان روابط بین الملل اعتمادسازی آن را به عنوان یک اهمیت و ضرورت بیان کرده اند. فریدمن در بیان ضرورت اعتمادسازی می گوید: ارزش اصلی تدابیر اعتمادسازی ممکن است در روند واقعی اعتمادسازی در زمان صلح باشد

که به آرام شدن تنش ها کمک می کند، به گونه ای که احتمال ایجاد بحران های جدی را از میان می برد. (روشندل و سیف زاده، 1382: 21) نیاز مبرم به اعتمادسازی نشانگر آن است که مشکل امنیتی وجود دارد. اعتمادسازی به کشورهای منطقه ی خلیج فارس کمک می کند تا بر موانع سیاسی و روانی عدم اعتماد و سوطن موجود غلبه نمایند و یک هدف مشترک را تحقق بخشند. اقدامات اعتمادسازانه می توانند کمک های مهمی به ترویج نگرش همکاری امنیتی در میان هر یک از دولت های منطقه بنمایند. همچنین این اقدامات می توانند با نهادینه کردن مجاری گفت و گو و با مدیریت بحران و جلوگیری از منازعه، موجب ایجاد ثبات هرچه بیشتر در منطقه گردند. نهایت اینکه اقدامات اعتمادسازانه می توانند به عنوان نشانه ی همکاری منطقه ای به کار روند و موجب هر چه بیشتر شدن تنش زدایی و اختلاف بین کشورهای منطقه ی خلیج فارس گردند. واقعیت این است که امنیت خلیج فارس از طریق استفاده از نیروی نظامی تامین نخواهد شد (بیلیس، 1379: 57)، چرا که شرایط کنونی منطقه با گذشته تفاوت قابل ملاحظه ای نموده است و صرف تقویت نیروهای نظامی نمی تواند ضامن امنیت کشورهای منطقه باشد. امروزه کشورهای منطقه باید از طریق افزایش امنیت در منطقه ی خلیج فارس، بتوانند امنیت خود را بر پایه ی اعتماد متقابل، گسترش منافع و همکاری مشترک تامین نمایند. هدف اقدامات اعتمادسازانه تحول و دگرگون ساختن چارچوب روابط معلوم و مشخص است که در آن بدگمانی و سوطن عمیق دوجانبه یا چند جانبه و نگرشی تردیدآمیز نسبت به دیگران وجود ندارد.

واقعیت این است که امنیت واقعی منطقه ای ایران در خلیج فارس از طریق استفاده از نیروهای نظامی تامین نمی شود؛ چرا که شرایط کنونی با سال های گذشته تفاوت قابل ملاحظه ای نموده است. با در نظر گرفتن این شرایط، وجود یک برنامه ریزی منسجم و هماهنگ و اتخاذ مواضع انعطاف پذیر در خصوص کشورهای منطقه، یک ضرورت تلقی می گردد. دلایل عمده به کارگیری اقدامات اعتمادسازانه در منطقه از سوی ایران را می توان این گونه خلاصه کرد: - ایران کشور قدرتمند و پرنفوذی بوده که از سوی برخی از کشورهای منطقه مورد سوطن است.

با توجه به تک محصولی بودن ایران، مسئله ی امنیت ایران به منظور مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی با تأکید بر جنبه های علمی و نفی شعار، باید مورد بررسی قرار گیرد.

- متغیرهای روانی، فرهنگی و محیطی نقش مهمی در تامین امنیت اقتصادی ایران دارند؛ عواملی همچون سرمایه گذاری جدید، بهبود سطح فناوری، توسعه تولید انرژی های جایگزین نفت، قابل ملاحظه اند.

- کاهش درآمدهای نفتی ایران همراه با تغییرات جمعیتی غیرقابل کنترل، بی نظمی های ساختاری ایران را تشدید خواهد نمود. این کشور به همکاری و مشارکت اقتصادی کشورهای همسایه و منطقه نیاز مبرم خواهد داشت.

راه ها و اقدامات اعتمادسازی و تنش زدایی در منطقه

1. اسلام به عنوان ایدئولوژی حاکم بر ملت های منطقه، باید حامل پیام وحدت آفرین باشد. از تعصبات خشک باید دوری جست و از این طریق، از رقابت ایدئولوژیک و جنگ سرد اسلامی اعراض نمود و کانون تشنج را از بین برد.

2. ایجاد روابط برادرانه بین کشورهای مسلمان منطقه و عدم گرایش به «پان» های مختلف و رفع تمایزات بین عرب و فارس

3. ایجاد روابط برابر و بدون اهداف چیرگی و رقابت آمیز

4. زدودن ذهنیت های منفی تاریخی و قبولاندن این موضوع که هیچ یک از کشورها هرگز قصد سلطه بر منطقه را ندارد

5. نفت به عنوان بزرگ ترین منبع تحصیل ارز برای کشورها، اصلی ترین منبع درآمد دولت های منطقه است، به گونه ای که نفت و گاز به تنهایی قریب به 95 درصد مجموع نیازهای کشورهای موردنظر را تامین می کنند. بدین روی، باید سیاست های نفتی هماهنگی با کشورهای منطقه در قبال کشورهای صنعتی، به منظور افزایش و کنترل قیمت نفت و حفظ میزان آن اتخاذ گردند.

6. کاهش بودجه دفاعی کشورها و اساس قرار دادن «دفاع» در تولید و تهیه تجهیزات نظامی و رفع تبلیغات سوء غرب، به ویژه آمریکا

7. اتخاذ تدابیر جدید امنیتی توسط تمام کشورهای منطقه خلیج فارس با تکیه بر اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احساس برابری.

8. گسترش همکاری های اقتصادی بین کشورهای منطقه.

9. حل اختلافات ارضی و مرزی کشورهای منطقه.

نتیجه گیری

در سال های اخیر شاهد تحول و دگرگونی عظیمی در معنا و مفهوم «امنیت» بوده ایم. هم اکنون «امنیت» یک مفهوم کلی و گسترده ای دارد، که صرفا شامل بعد نظامی و تسلیحاتی نمی شود، بلکه معنا و مفهوم آن بسیاری از ابعاد زندگی ما، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، را نیز شامل می گردد.

اعتقاد بر این است که در چنین شرایطی، بهترین راه کاری که جمهوری اسلامی ایران در راه رسیدن به اهداف خود می تواند در پیش بگیرد، این است که با در پیش گرفتن سیاست «همکاری» و «تنش زدایی» با کشورهای منطقه و «حل مسالمت آمیز اختلافات» با هر یک از کشورهای منطقه خلیج فارس، در پی دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش باشد. این بهترین و مطمئن ترین راهی است که ایران می تواند در قبال کشورهای منطقه و امنیت خلیج فارس در پیش بگیرد. در این صورت است که هر قدر جمهوری اسلامی ایران روابط حسنه و همراه با اعتماد متقابل با هر یک از کشورهای کرانه خلیج فارس داشته باشد، به همان میزان می تواند از نفوذ و تاثیرگذاری نیروهای خارجی بکاهد و در تامین امنیت این منطقه، جایگاه واقعی خود را بیابد. پس امنیت منطقه ای مبتنی بر همکاری متقابل، در این برهه زمانی بهترین نوع امنیت منطقه ای برای این منطقه حیاتی و راهبردی به شمار می آید.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره (1381)، «الگوهای اعتمادسازی در منطقه ی خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه.
- اچ کورد سمن، آنتونی (1381)، «موازنه ی نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه»، ترجمه: مجید خسروی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی سپاه پاسداران.
- اسدیان، امیر (1381)، «سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس»، تهران، انتشارات پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
- اردی مکین لای، آرلیتل (1381)، «امنیت جهانی: رویکردها و نظریه ها»، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (1381)، «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی»، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
- امامی، محمد علی (1381)، «عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، وزارت امور خارجه، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه.
- بیلیس، جان (1379)، «امنیت بین الملل در عصر پس از جنگ سرد»، ترجمه: حسین مجدی نجم، تهران، انتشارات سپاه پاسداران، دوره ی عالی جنگ.
- باتریک ام، مورگان (1380)، «نظم های منطقه ای امنیت سازی در جهان نوین»، ترجمه: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
- ربیعی، علی (1383)، «مطالعات امنیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه»، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه.

روشندل، جلیل و سیف زاده، حسین (1382)، «تعارضات داخلی، منطقه ای و بین الملل در خلیج فارس»، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

لی نورجی، مارتین (1383)، «چهره ی جدید امنیت در خاورمیانه»، ترجمه: قدیر نصیری، تهران، انتشارات پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.

نعیمی ارفع، بهمن (1370)، «مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه.

هالیس، رزماری (1372)، «امنیت خلیج فارس»، ترجمه: حاکم قاسمی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام.